



براساس آخرین گزارش رسمی بنیاد پژوهش های مجلس شورای اسلامی، در نظرسنجی سراسری از جوانان ۱۸ تا ۳۴ سال مشخص شده است که تورم، نداشتن شغل و سنت های غلط، اصلی ترین دلایل افزایش سن ازدواج جوانان ایرانی است؛ به طوری که در این نظرسنجی، بیش از ۸۶ درصد از جامعه آماری مخاطب با این گفته موافق بوده اند که با وضعیت تورم کنونی و افزایش قیمت ها نمی توان به راحتی ازدواج کرد و حدود ۸۱ درصد نیز تصریح کرده اند که بیکاری مهم ترین عامل افزایش سن ازدواج است. تحصیلات نیز بر انتخاب موانع ازدواج تأثیر داشته، به گونه ای که افراد با تحصیلات لیسانس و بالاتر، پیدا کردن همسر دلخواه خود از افراد دارای مدرک فوق دیپلم و پایین تر را مانع از ازدواج بیان کرده اند. طبق اسناد تاریخی، نخستین روز از ماه ذی الحجه، سالروز ازدواج پیر بکت امیر مؤمنان حضرت علی (ع) و حضرت فاطمه زهرا (س) است. به برکت این پیوند مبارک، شورای عالی انقلاب فرهنگی، این روز را در تقویم رسمی کشور، «روز ازدواج» نام گذاری کرد. امسال نیز ۱۹ خرداد مقارن با این روز فرخنده است و اگر چه امروز برای محضرهای رسمی و دفاتر ازدواج شهر، روز شلوغی محسوب می شود، آمار ازدواج جوانان همچنان مطلوب نیست. در این گزارش، پای صحبت برخی جوانان مشهودی نشسته ایم که در سن ازدواج هستند تا آن ها از چالش هایشان در مسیر تحقق این سنت نبوی بگویند.

بن بست ی به نام خدمت و استخدا م

سید حسام صدر ۲۶ سال دارد و دانشجوی سال آخر کارشناسی ارشد در رشته مهندسی شیمی است. بدون تعارف می گوید: خیلی از دانشجوی های هم کلاسی من فقط به خاطر فرار از خدمت سربازی در حال ادامه تحصیل هستند. البته همه می دانیم که آخر کار باید با این چالش روبه رو شویم اما حداقل این است که سربازی رفتن با مدرک دکتری، موقعیتی ایجاد می کند که زندگی پس از پایان خدمت ساده تر باشد. به گفته او، یک فرهنگ غلط در جامعه امروز که باعث می شود حتی فکر ازدواج به ذهن پسرهای جوان نیاید، درهم تنیدگی موضوع سربازی با شغل است. حسام بیان می کند: خانواده د ختړها معمولا جوان هایی را می پذیرند که در یک سازمان اداری، اشتغال رسمی داشته و به قول معروف استخدام باشند. در این شرایط، مشروط بودن استخدام به پایان خدمت وظیفه، دور باطالی را ایجاد می کند که خلاصی از آن، ممکن نیست.

چالش مسئولیت پذیری

«خواستگار مثل هندوانه در بسته است و هر قدر هم که تحقیقات پیش از ازدواج، حرفه ای باشد، باز هم در پسر ها خفایاتی پیدا می شود که ازدواج را با بحران مواجه کند.» این جملات، محور سخنان ریحانه سادات موسوی، دانشجوی رشته کارشناسی معماری است. او که ۲۲ سال دارد، با بیان اینکه ترس از جنس مخالف و بروز بحران های مرسوم در زندگی متأهلی، بزرگ ترین وحشت دخترها برای پذیرش خواستگار است، می گوید: یک جنبه از این موضوع، مباحث مالی است و اینکه پسر ها بتوانند متوسط یک زندگی آبرومندانانه را فراهم کنند اما بحث اصلی درباره مسئولیت های زندگی متأهلی است. خدا می داند اگر پای بچه به زندگی باز شد، کدامشان واقعا می توانند از پس وظایف پدران ه بر بیایند. این ها نگرانی های جدی است.



خانواده، مانع یا حامی؟

کم نیستند پسر هایی که در سن ازدواج قرار دارند و حتی استخدام رسمی هم هستند، اما موضوع توقعات نابی جای همسر و خانواده او از زاویه ای دیگر، ازدواج را برایشان به یک رؤیای دور و دست نیافتنی تبدیل کرده است. محمدصادق صابری، دانشجوی سال آخر دانشگاه علوم انتظامی امین است و علاوه بر برخورداری از مزایای خاص همچون حقوق ماهیانه، پس از پایان تحصیلات نیز به صورت رسمی در نیروی انتظامی استخدام خواهد شد. او می گوید که تا پیش از سی سالگی قطعا ازدواج نخواهد کرد. می پرسیم چرا؟ در پاسخ می گوید: مسائل مالی و پیش نیازهای اقتصادی ازدواج به کناره؛

امان از چشم و هم چشمی!

سارا منصوری دانشجوی سال آخر رشته پرستاری است. ۲۷ سال سن دارد و در پاسخ به دلیل اصلی مجرد بودنش خیلی سریع و با خنده می گوید: «جهیزیه ام هنوز کامل نیست.» پاسخش را که بیشتر تشریح می کند، به نظر می رسد دلیل اصلی، فراتر از مسائل مالی است و ریشه در یک دغدغه فرهنگی دارد. او بیان می کند: من یک دختر خاله دارم که دقیقا هم سن من است. ما با هم

آمارها چه می گوید؟

حدود نوزده سال از تصویب قانون جامع حمایت از ازدواج جوانان در مجلس شورای اسلامی می گذرد؛ قانونی که در سیزده بند به تصویب اکثریت وکلای وقت ملت رسیده تا به موجب آن، دولت مکلف به ایجاد صندوق های اندوخته باشد و به موازات حمایت های مستقیم، به روش های غیرمستقیم از جمله توسعه خوابگاه های دانشجویان متأهل از نوزده و جین پشتیبانی کند. باین حال، شواهد موجود جامعه به روشنی نشان می ده که هنوز تا تحقق اهداف مورد نظر برای تسهیل ازدواج فرسنگ ها فاصله وجود دارد. برای آکاوی ابعاد شرایط موجود براساس شواهد و آمار رسمی به سراغ غلامحسین قنبری، مدیرکل ثبت احوال خراسان رضوی، می رویم تا از آخرین

نیازمند فرهنگ سازی هستیم

حجت الاسلام والمسلمین علیرضا پناهیان، کارشناس مسائل مذهبی، در گفت وگو با شهرا را با اشاره به ضرورت های فرهنگ سازی درباره ازدواج می گوید: اصل ازدواج از نظر تکلیف شرعی برعهده بزرگ ترهاست. از رسول خدا (ص) در روایت معتبر آمده است که فرمود بزرگ ترها مسئولیت دارند اسباب ازدواج جوانان را فراهم کنند؛ زیرا خدا می پسندد که حیا در زبان و مرام جوانان باقی بماند، یعنی حتی پیش از اینکه جوان خودش بگوید، بزرگ ترها به فکر باشند. به گفته وی، در آیه آیات و روایات، دو فایده اصلی برای ازدواج ذکر شده است: یکی اینکه اخلاق جوان خوب می شود و دوم اینکه رزق بنده گسترش پیدا می کند. این مسئله رزق و روزی به صراحت در قرآن کریم هم آمده و خداوند عالم تأکید کرده است که اگر فرد بخواهد به ثبات اقتصادی و زندگی مالی مطلوب برسد، شرط واجب آن ازدواج است و این نقطه مقابل نظر بعضی هاست که فکر می کنند چون پول ندارند، نباید ازدواج کنند. حجت الاسلام والمسلمین پناهیان می افزاید: نمی خواهیم بگوییم این هایی که از این حرف ها می زنند، افراد بی ایمانی هستند؛ بنابراین مینا باید این باشد که بروز این طرز تفکر در جامعه، حاصل کم کاری در امر فرهنگ سازی است. نه فقط جوان ها بلکه خانواده هایشان نیز باید بدانند این طور نیست که حساب ها برپول باشد، بعد بگویند الان خدا توفیق داده است که ازدواج کنیم. این چه توفیقی است! اگر سن ازدواج افزایش یافته، ممکن است در ظاهر کار، همه بهانه ها ریشه در مسائل اقتصادی داشته باشد، اما واقعیت این است که توقعات زیاد شده، چشم و هم چشمی ها گسترش یافته و خانواده ها سختگیر شده اند. این ها ریشه اقتصادی ندارد، ریشه فرهنگی دارد. «قدیم برخی ها وقتی می خواستند آیه ۲۸ سوره مبارکه انفال را تفسیر کنند، تا به جای می رسیدند که خداوند عالم می فرماید اموال و اولاد شما فتنه هستند، فوری شروع می کردند در مذمت توجه به خانواده صحبت کردن. نخیر! این تفسیر اشتباه است. بسیاری از بزرگان ما از علما و مراجع تقلید گرفته تا استادان اخلاق و مفسران برجسته حوزه های علمیه، نرم خوترین افراد نسبت به همسرانشان بوده اند و حتی عشق ورزیدن به همسر و خانواده را مقدمه عشق ورزیدن به خدا می دانستند. حجت الاسلام والمسلمین پناهیان با بیان این مطلب می افزاید: طبیعت ازدواج این است که خلق و خوی انسان را نرم می کند. اگر پدر و مادرها دنبال تقویت باورهای دینی در جوانانشان هستند، اگر می خواهند نماز و روزه فرزندانشان منظم شود یا حتی نگران مسائل مالی هستند، باید به وعده خدا اعتماد کنند و برای ازدواج جوان ترها آسودن بالا بزنند؛ زیرا جوان اگر ازدواج کرد، ایمانش قوی، کار و بارش منظم و قلبش نرم خواهد شد.

مسئولیت پذیری کلید حل مسئله

استعداد خود هم برای تحقق آن قول به عنوان وعده صادق تلاش می کنند. معمولا به توفیق هم می رسند. مطالعه زندگی افراد، به ما می گوید احتمال زلزله طلاق در زندگی های سبک و ساده، کمتر یا لااقل کم ضرتر از زندگی های سخت و سنگین است. امروزه در ساختمان سازی به سبکی سازه ویژه توجه دارند. خطور برای ساختمان زندگی چنین سنگین می گیریم که از توان پایه ها می کاهد؟ ساده بگیریم آنجا که سنگ مادیات در ترازو می گذارند. دقیق باشیم در سنجش مؤلفه های شخصیتی و اخلاقی. این اگر درست بود، توان آباد کردن سفره و زندگی هم ایجاد می شود. نباشد، همه دنیا را هم که مهریه و جهیزیه و... کنیم، پایداری به بار نخواهد آورد که بسیاری برای فرار از زندگی ای چنین، زندان راترجیح می دهند. باری، امروز که روز ازدواج مولاعلی (ع) و حضرت زهرا (س) است، باید تبرک جست به این وصلت و برای آسان شدن وصل کنیم جوانان را گویند. حرف راست، حرف امروز باید این باشد: لطفا در ازدواج آسان بگیریم. ساده و آسان!

نیستند توانگرانی که خیلی زود به دوراهی جدایی می رسند. اتفاقا آنان که در ازدواج، «سخت می گیرند» در بحران جدایی، سخت تر می خورند. زندان، پایان راه کسانی است که به سختی قدم برداشته اند. باید آسان گرفت. این هم البته هرگز چشم بستن بر واقعیت هانیست. اتفاقا درست دیدن و درست تحلیل کردن و درست رفتار کردن است. آسان گیرها، گیر دنیا نمی شوند. درگیر فرون خواهی نمی گردند. در معرکه چشم و چشمی، از پا نمی افتند. آنان با چشم خود می بینند. با دست خود و جب می کنند. به توان خویش قول می دهند. به وسعت

ضرورت امروز، ازدواج آسان

مطمئن می باشید، با او موافقت کنید، وگرنه فتنه و فساد بزرگی در روی زمین پدید خواهد آمد.» شبیه این حدیث را در کلام ولی نعمت ما مشهودی ها، حضرت سلطان علی بن موسی الرضا (ع)، هم می خوانیم، به این بیان که خطاب به دختران و زنان می فرماید: «هنگامی که مردی از شما خواستگاری کرده که از دین و اخلاق او راضی بودید، به ازدواج با او رضایت دهید. و مبادا فقر او شما را از این رضایت بازدارد.» دین و اخلاق که باشد، راه را اگر بن بست هم باشد- باز می کنند. در غیاب این دو مؤلفه، راه اگر شاه راه هم باشد، به بن بست می خورد. کم هم

ایمان به ادعاشکل نمی گیرد. به عمل کردن و به رفتار در آوردن دین است که می توان در کارنامه ایمانی افراد، نمره گذاشت و آنان را در شمار «مؤمنین» قرار داد. نسبت ما با اولیای خدا هم از همین قسم است. با ادعا و حتی اوج احساسات، معنا پیدا نمی کند. به عمل است که می توان نسبت خود را چنان نیکو تعریف کرده که سلمان فارسی را به شکوه «سلمان محمدی» برمی کنند. نمی خواهم درباره «ایمان» به عنوان چهارچوبه زندگی بنویسم، بلکه می خواهم از زندگی مشترک بنویسم که به ارتقای ایمان دو طرف ماچرا می انجامد. از ازدواج که دین را کامل می کند. از نوع ازدواج که به تأکید اهل بیت (ع) باید ساده و سازگار تحقق یابد تا زیست مؤمنانه توسعه ای سامانمند یابد. این کلام امامی است که دیروز به شوگش سیاه پوشیدیم؛ امام جواد (ع) برای سفیدسازی زندگی اجتماعی، به آسان گیری در ازدواج چنین توجه می دهد که: «هر که به خواستگاری دختر شما آید و به تقوا و تدین و امانت داری او

یادداشت